رسالت
روزنامه صبح ایران
سال چهل و یکم ■
شماره ۱۱۳۷۹ ■

آیا پیشنهاد ۱۴ بندی ایران، بن‌بست دیپلماتیک موجود را می‌شکند؟

عزم ایران برای پایان دائمی جنگ

گروه فرهنگی

ادامه از صفحه اول

این پیشنهاد نشانه‌ای آشکار از رویکرد عقلانی و صلح‌طلبانه ایران است، در حالی که آمریکا خطوط قرمز غیرمنطقی بر مسائل هسته‌ای و دسترسی به تنگه هرمز وضع کرده و عملاً روند مذاکره را دشوار ساخته است.

کارشناسان بین‌المللی معتقدند ایران در این پیشنهاد تلاش کرده اختلافات را کاهش دهد و با تمرکز بر پایان کامل جنگ، مسیر دیپلماتیک را حفظ کند. پل ماسگراو، استاد دانشگاه جورج تاون در قطر، می‌گوید: «طرف ایرانی ممکن است شرط پیشین خود درباره پایان محاصره دریایی را کنار گذاشته باشد، اما همچنان خواستار حفظ توان غنی‌سازی اورانیوم و کنترل مسیرهای دریایی خود است.» این موضع ایران، به وضوح نشان می‌دهد که تهران آماده انعطاف منطقی است، اما واشنگتن هنوز حاضر به پذیرش حقوق مشروع ایران نیست.

ترامپ در واکنش به این پیشنهاد صلح‌آمیز ایران، بدون بررسی کامل و با تهدید به از سرگیری حملات، موضعی خصمانه اتخاذ کرده و حتی در شبکه اجتماعی خود اعلام کرده که ایران «هنوز هزینه کافی» نپرداخته است. این اظهارات نشان می‌دهد که آمریکا به جای گفتگو و احترام به حقوق بین‌المللی، همچنان سیاست زور و تهدید را ترجیح می‌دهد و تمایلی به حل منطقی بحران ندارد.

آتش‌بس شکننده‌ای که از ۸ آوریل برقرار شد، تنها به دلیل حسن نیت ایران توانسته مانع از ادامه مستقیم جنگ شود، اما تحرکات خصمانه آمریکا و حضور مین‌های دریایی در تنگه هرمز و محاصره دریایی، نشانه‌ای از ادامه سیاست فشار و بحران‌آفرینی واشنگتن است. ایران با اعلام «وضعیت آماده‌باش کامل»، به صراحت نشان داده که تمام توان خود را برای دفاع از حاکمیت و امنیت ملی به کار خواهد گرفت و هرگونه تجاوز جدید آمریکا را با واکنش قاطع پاسخ خواهد داد. اقتصاد ایران نیز در ماه‌های اخیر تحت فشار شدید تحریم‌ها و محاصره دریایی آمریکا قرار داشته، اما این فشارها نتوانسته اراده و موضع منطقی ایران را تغییر دهد. برعکس، کارشناسان اقتصادی معتقدند تحریم‌ها و محاصره آمریکا نه تنها به اهداف واشنگتن نرسیده بلکه روند مذاکرات و دیپلماسی را نیز مختل کرده است. تیترای پارسی، تحلیلگر مؤسسه کوئینسی، می‌گوید: «ترامپ با اعمال محاصره، بیشترین آسیب را به منافع خود وزده است. ایران در این میان همواره آماده مذاکره بوده و فرصت‌ها برای صلح واقعی از سوی آمریکا محدود شده است.»

در ماه‌های اخیر، ایران و آمریکا چندین بار طرح‌های صلح ارائه کرده‌اند، اما واشنگتن همواره شرایط تحمیلی و غیرمنطقی را اعمال کرده است. روز پیش از آتش‌بس، ایران پیشنهاد ۱۰ بندی خود را ارائه کرد که شامل خاتمه همه درگیری‌ها، تضمین عبور ایمن از تنگه هرمز، رفع تحریم‌ها و بازسازی اقتصادی بود. ترامپ این طرح را «قابل توجه اما ناکافی» خواند و با نادیده گرفتن نگرانی‌های مشروع ایران، عملاً روند صلح را به تأخیر انداخت.

در مقابل، طرح ۱۵ بندی آمریکا شامل تعطیلی دائمی تأسیسات هسته‌ای ایران، تحویل اورانیوم غنی‌شده، باز کردن تنگه هرمز و پایان تحریم‌ها بود، اما با شروط غیرمنطقی و موضع تحمیلی همراه بود. ایران آن را رد کرد، زیرا موقت بودن آتش‌بس و استمرار حضور نظامی آمریکا، فرصتی برای حملات بعدی ایجاد می‌کرد. این موضع ایران، نشانگر رویکرد منطقی و مسئولانه تهران در قبال منطقه و جامعه جهانی است.

تنگه هرمز که از ۲۸ فوریه توسط ایران برای محافظت از امنیت خود بسته شده، همچنان تحت فشار و تهدید آمریکا قرار دارد. افزایش قیمت نفت، محاصره دریایی و سیاست‌های تحریک‌آمیز واشنگتن، نه تنها به ثبات منطقه آسیب زده بلکه اقتصاد جهانی را نیز تحت تأثیر قرار داده است. ایران با حفظ کنترل خود بر این مسیر حیاتی، ضمن دفاع از حقوق بین‌المللی، نشان داده که از صلح و ثبات منطقه حمایت می‌کند و آمریکا است که با اقدامات یکجانبه و زورگویانه، عامل اصلی بحران است.

در نهایت، ایران و آمریکا در نقطه‌ای حساس قرار دارند؛ تهران با ارائه طرح‌های منطقی و صلح‌طلبانه، مسیر دیپلماسی را حفظ کرده و خواستار تضمین حقوق مشروع و امنیت ملی است، در حالی که واشنگتن با تحمیل شروط غیرمنطقی، تهدید نظامی و محاصره اقتصادی، روند مذاکرات را به مخاطره انداخته است. ادامه این مذاکرات، تنها با شجاعت، عقلانیت و پذیرش مصالحه از سوی آمریکا می‌تواند مانع بازگشت جنگ تمام‌عیار شود و آینده منطقه را به سمت صلح و ثبات هدایت کند.

وقتی تل آویو در تله راهبردی گرفتار می‌شود

انهدام دکترین امنیتی صهیونیست‌ها

گروه بین الملل

صهیونیست‌ها هم‌زمان با نابودی دکترین امنیتی خود مقابل ایران و مقاومت معتقدند برای بقا باید دائما در جنگ باشند. در ادامه نظرسنجی‌های مربوط به جنگ در میان صهیونیست‌ها، نظرسنجی ماه آوریل موسسه امنیت داخلی رژیم اشغالگر درباره جبهه لبنان، داده‌ای چالش برانگیز را در میان افکار عمومی اسرائیل آشکار می‌کند، زیرا اکثریت قاطع صهیونیست‌ها از ادامه جنگ علیه لبنان، صرف‌نظر از مسیر جنگ با ایران، حمایت می‌کنند. اما تناقض اینجاست که همین افکار عمومی صهیونیست‌ها، تردیدهای عمیقی در توانایی اسرائیل برای دستیابی به آرامش امنیتی بلندمدت دارند؛ به طوری که ۶۲٪ از شرکت‌کنندگان در نظرسنجی می‌گویند که اعتقاد ندارند که نبرد در لبنان منجر به ثبات پایدار برای اسرائیل شود.

اسرائیل اسپارتایی؛ از نابودی دکترین امنیتی تا غرق شدن در جنگ‌های ابدی

این تناقض آشکار بین حمایت از جنگ و عدم اعتماد به نتایج آن، نشان دهنده تحولی عمیق در آگاهی امنیتی جمعی صهیونیست‌هاست، زیرا نشان می‌دهد که جنگ به خودی خود به یک هدف تبدیل شده است، نه وسیله‌ای برای دستیابی به یک نتیجه سیاسی مشخص. نکته قابل توجه این است که این گرایش تنها به پایگاه ائتلاف راست‌گرای حاکم محدود نمی‌شود، اگرچه نسبت آن در آنجا بالاتر است، بلکه در بخش‌هایی از اپوزیسیون نیز نفوذ کرده است؛ چیزی که نشان دهنده یک تغییر ساختاری کلی در فرهنگ استراتژیک رژیم صهیونیستی است.

از لحاظ تاریخی، دکترین امنیتی رژیم اشغالگر بر ترکیبی از بازدارندگی، قاطعیت سریع، و انتقال نبرد به خاک دشمن، با هدف کاهش زمان و هزینه‌های اجتماعی جنگ، بنا شده است. اما آنچه داده‌های نظرسنجی، و به موازات جنگ‌های این رژیم از اکتبر ۲۰۲۳، نشان می‌دهد، به نظر می‌رسد کنار گذاشتن تدریجی ایده قاطعیت، و جایگزینی آن با منطق نبرد مستمر و متحرک از جبهه‌ای به جبهه دیگر تا بی‌نهایت، تبدیل به دکترین جدید این رژیم شده که به معنای فروریختن در جنگ‌های ابدی بدون آرامش و ثبات است. در این زمینه، جنگ دیگر یک رویداد استثنایی نیست که سودمندی آن با نتایجش سنجیده شود (همانطور که در علم نظامی و استراتژیک است)، بلکه به وضعیت طبیعی تبدیل شده است که جامعه باید با آن سازگار شود. این دقیقاً همان چیزی است که بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم اشغالگر قبلاً هنگام صحبت از "اسرائیل اسپارتایی" به آن اشاره کرده بود.

خانه عنکبوت؛ اسرائیل از توهم پیروزی تا حقیقت شکست مقابل حزب‌الله

حمایت افکار عمومی رژیم صهیونیستی از ادامه جنگ در لبنان، با وجود تردید در موفقیت آن، نشان دهنده جدایی فزاینده‌ای بین اقدام نظامی و هدف سیاسی آن است، و این ویژگی اصلی هرمدل "اسپارتا" است: نبرد برای حفظ آمادگی و اعتبار، نه برای دستیابی به یک توافق سیاسی که به وضعیت جنگ پایان دهد و ثبات بلندمدت را تضمین کند.

نشانه‌های این روند در جامعه صهیونیستی به شرح زیر است:

الف- جامعه‌ای که باید از نظر ذهنی برای پذیرش جنگی طولانی بدون پایان مشخص بسیج شده باشد.

ب- لزوم آمادگی فزاینده برای تحمل و تاب آوری بلندمدت در ازای وعده‌های امنیتی نامشخص.

ج- لزوم کاهش حساسیت نسبت به سوالات درباره هزینه انسانی، اجتماعی و اقتصادی، تا زمانی که "عدم نبرد" به عنوان یک خطر وجودی بزرگتر از خود جنگ به تصویر کشیده می‌شود.

با وجود این، جنگ اسرائیل-آمریکا علیه ایران در سال ۲۰۲۶ سخت‌ترین آزمون برای دکترین "اسرائیل اسپارتایی" بود. پس از هفته‌ها حملات هوایی گسترده، و عملیات ترور و تهدید به سرنگونی نظام در ایران، این درگیری با یک آتش‌بس اجباری بدون دستیابی به اهداف اعلام شده، چه در مورد برنامه هسته‌ای و چه در مورد ترسیم مجدد موازنه قدرت در منطقه، پایان یافت. این نتیجه، یک مشکل بزرگ را به ذهن متبادر می‌کند: توانایی بالای تخریب، اما با ناتوانی ساختاری در تحمیل یک پایان سیاسی. در اینجاست که تناقض "اسپارتای جدید" آشکار می‌شود: هرچه میدان جنگ را گسترش دهید، توانایی شما برای کنترل نتایج آن کمتر می‌شود و مهمتر از نتایج نظامی، تأثیر آن بر فرهنگ اجتماعی اسرائیل است: شکست در قاطعیت نظامی منجر به بازنگری در تمایل به نبرد نشد، بلکه منجر به عادی‌سازی خود شکست شد.

۳ مسیر برای آینده اسرائیل؛ جنگ ابدی برای بقا یا انفجار از درون

در اینجا، شکست اسرائیل در ایران، از اشتیاق افکار عمومی برای ادامه جنگ در جبهه شمالی با لبنان نکاست؛ بلکه برعکس، از نظر صهیونیست‌ها، لبنان اکنون مناسب‌ترین صحنه برای ادامه جنگ است، زیرا هزینه آن کمتر از هزینه یک رویارویی استراتژیک مستقیم با یک قدرت منطقه‌ای بزرگ یعنی ایران است. این بدان معناست که شکست و فرسایش اسرائیل در لبنان به دلیل حملات کوبنده مقاومت، اسرائیلی‌ها را به سمت بازکردن جبهه جدیدی از جنگ سوق خواهد داد، زیرا افکار عمومی عادت کرده‌اند که اسرائیل برای بقا باید دائما در جنگ باشد.

باتوجه به این داده‌ها، می‌توان سه مسیر احتمالی را برای آینده "اسرائیل اسپارتایی" که راست گرایان به آن تمایل دارند و جامعه اسرائیل از آن حمایت می‌کند، تصور کرد:

۱. فرسایش

در مسیر فرسایش، نبرد در جبهه‌های متعدد، از طریق انتقال از جبهه‌ای به جبهه دیگر، با حمایت افکار عمومی، اما با فرسایش تدریجی در اقتصاد و انسجام اجتماعی، بدون نتیجه قطعی، ادامه می‌یابد.

۲. عقب‌نشینی تحت فشار آمریکا

این مدل بر واقع‌گرایی و چشم‌پوشی از جنگ‌های متحرک در منطقه تحت فشار خارجی استوار است. همه می‌دانند که بقای اسرائیل بر حمایت خارجی، به ویژه آمریکا، استوار است، که به معنای کاهش حاشیه تصمیم‌گیری استراتژیک مستقل با هدف گسترش در منطقه پس از اثبات ناتوانی قدرت است. اما در این سناریو، ممکن است آمریکایی‌ها به اسرائیل فضای گسترده‌ای برای گسترش و جنگ در داخل فلسطین اشغالی بدهند تا راست‌گرایان و افکار عمومی تشنه جنگ را راضی کنند.

۳. پس از اسپارتا

این سناریو، با احتمال کمتر در آینده نزدیک، بر بازنگری جزئی در دکترین، اذعان به محدودیت‌های قدرت نظامی، و جستجوی ترتیبات سیاسی منطقه‌ای که منطق جنگ دائمی را کاهش دهد، استوار است. در نتیجه، نظرسنجی موسسه امنیت داخلی رژیم صهیونیستی، خوش‌بینی به ثبات و صلح در منطقه را نشان نمی‌دهد، بلکه پذیرش جمعی اسرائیلی‌ها را برای جنگ‌های بی‌پایان منعکس می‌کند. با این حال، تاریخ نشان می‌دهد که کشورهایی که استراتژی خود را بر اعتماد به جنگ بنا می‌کنند، اغلب بحران‌های خود را به جای حل کردن، به تعویق می‌اندازند تا زمانی که مشکل بیشتر داخلی شود تا خارجی، و سپس از درون منفجر می‌شود.

سرمایه انسانی، سنگر تاب‌آوری

ادامه از صفحه اول

برای عملی کردن این راهبرد و جلوگیری از ریزش نیروی کار، نیازمند الگوهای اقتصادی آزموده‌شده هستیم. یکی از موثرترین این راهکارها، مدل اشتغال پاره‌وقت است که پیش از این در جریان بحران عالم‌گیر کرونا توسط اولاف شولتز در آلمان با موفقیت به اجرا درآمد و مانع از فروپاشی بازار کار شد. منطق این طرح بسیار ساده اما کارآمد است: در شرایطی که یک بنگاه اقتصادی به دلیل افت تقاضا یا مشکلات ناشی از شرایط ویژه، توان پرداخت حقوق کامل پرسنل را ندارد، به جای اخراج آن‌ها، ساعات کاری را کاهش می‌دهد. در این میان، دولت وارد عمل شده و بخش قابل توجهی از دستمزد ساعات کاهش‌یافته را در قالب یارانه‌های حفظ اشتغال جبران می‌کند. پیاده‌سازی بومی این الگو در ایران، دقیقا مصداق بارز همان حمایت مقدور دولتی است که می‌تواند گره‌گشا باشد. با این شیوه، کارفرمایان نیروهای ماهر خود را برای روزهای بازگشت به شرایط عادی حفظ می‌کنند و کارگران نیز ضمن حفظ هویت شغلی و برخورداری از پوشش‌های بیمه‌ای، از آسیب‌های معیشتی بیکاری مطلق در امان می‌مانند.

اما حفظ یک جامعه پویا و مقاوم، تنها در گرو متغیرهای اقتصادی و حفظ خطوط تولید صنعتی نیست. در دوران گذار از شرایط دشوار، معمولا پروژه‌های فرهنگی و هنری اولین قربانیان کاهش بودجه و خروج از اولویت‌ها هستند؛ نگاهی که می‌تواند دربلندمدت آسیب زا باشد. بخش فرهنگی و صنایع خلاق در شرایط فعلی، کارکردی دوگانه و بی‌نهایت استراتژیک دارد. از یک سو، در عرصه بین‌المللی، تولیدات فرهنگی به عنوان بازوی قدرتمند دیپلماسی عمومی عمل می‌کنند و می‌توانند روایتگر تصویر واقعی، مقاوم و منطقی ایران در برابر هجمه‌های رسانه‌ای باشند. از سوی دیگر، در سطح داخلی، محصولات فرهنگی نقشی شبیه به یک کمپین درمانی بزرگ را برای تسکین تروماها و فشارهای روانی ایفا می‌کنند. جامعه‌ای که درگیر پیگیری اخبار و فشارهای اقتصادی است، بیش از هرزمان دیگری به امید، همبستگی و بازیابی معنا نیاز دارد. خروج پروژه‌های فرهنگی از اولویت، به معنای بی‌دفاع رها کردن روان جامعه در برابر سختی‌هاست.

درنهایت، باید به یاد داشته باشیم که عبور از این دوران ملتهب، نیازمند نگاهی کلان است که در آن، اقتصاد، امنیت و فرهنگ دوشادوش یکدیگر حرکت کنند. تاب‌آوری ملی زمانی در بالاترین سطح خود محقق می‌شود که اجازه ندهیم شرایط ویژه کشور، سرمایه‌های انسانی ما را در کارگاه‌ها و شرکت‌ها پراکنده کند و همزمان، اجازه ندهیم جریان تولیدات فرهنگی دچار رخوت شود. اگر امروز با اجرای سیاست‌های حمایتی هوشمندانه‌ای نظیر طرح اشتغال پاره‌وقت، دستگیر کسب‌وکارها باشیم و با حمایت از صنایع خلاق، روح جامعه را تنفیذ کنیم، فردا از این گذرگاه با جامعه‌ای یکپارچه‌تر، با تجربه‌تر و امیدوارتر عبور خواهیم کرد. پیروزی پایدار آنجاست که از دل روزهای پرالتهاب، با تجربه‌تر و امیدوارتر عبور خواهیم کرد. پیروزی پایدار آنجاست که از دل روزهای پرالتهاب، با کمترین آسیب به ساختار اشتغال و با روانی التیام‌یافته بیرون بیاییم؛ دستاوردی که کاملا در دسترس ماست و تنها نیازمند همدلی، تدبیر و اقدام به موقع سیاست‌گذاران و فعالان جامعه است.

مسعود شجاعی طباطبایی در گفت‌وگو با «رسالت» از خلق بیش از ۸۰ اثر در روزهای جنگ می‌گوید:

جنگ را با «اشک» کشیدم

گاهی یک تصویر، کاری را می‌کند که هزاران کلمه از انجامش عاجزند؛ تصویری که نه فقط دیده می‌شود، بلکه در ذهن می‌ماند، احساس می‌سازد و به بخشی از حافظه جمعی یک ملت تبدیل می‌شود. در روزهایی که منطقه زیر سایه جنگ، بحران و روایت‌های متناقض رسانه‌ای قرار دارد، کاریکاتور برای برخی هنرمندان تنها یک قالب هنری نیست؛ ابزاری است برای افشاگری، ثبت تاریخ و روایت آنچه نباید فراموش شود.

سید مسعود شجاعی طباطبایی، کاریکاتوریست و گرافیست ایرانی، از جمله هنرمندانی است که این روزها با خلق ده‌ها اثر درباره «جنگ رمضان»، تلاش کرده روایتی تصویری از اتفاقات و واکنش‌های این روزهای منطقه ارائه دهد؛ آثاری که به گفته خودش، تنها تولیدات مناسبتی نیستند، بلکه نوعی «وقایع‌نگاری تاریخی» به شمار می‌روند. او معتقد است کاریکاتور، به دلیل زبان جهانی و قدرت طنز، می‌تواند بسیار سریع‌تر و عمیق‌تر از متن با مخاطب ارتباط برقرار کند و حتی سال‌ها بعد نیز به‌عنوان سندی تصویری از یک دوره تاریخی باقی بماند.

او در گفت‌وگو با ما، از ضرورت ثبت هنری جنگ، خلق آثاری که بعضی از آن‌ها با اشک شکل گرفته‌اند، بازتاب جهانی کاریکاتورها و مسئولیتی می‌گوید که هنرمندان در برابر حقیقت و حافظه تاریخی مردم برعهده دارد.

روایت جنگ در قاب کاریکاتور

سید مسعود شجاعی طباطبایی، کاریکاتوریست و گرافیست ایرانی، معتقد است کاریکاتور ظرفیت بسیار بالایی برای ارتباط با مخاطب دارد؛ زبانی که برای عموم قابل فهم است، یک زبان بین‌المللی به شمار می‌رود و به دلیل طنز، رسانندگی بالایی دارد.

شجاعی طباطبایی درباره دلیل ورودش به مجموعه آثار «جنگ رمضان» تأکید می‌کند: «فضای این روزها یادآور همان سال‌های ابتدایی جنگ بوده است. دقیقاً مثل همان زمان احساس کردم که به جهت نیاز، باید افشاگری شود و موضوعاتی که در ارتباط با این جنگ تحمیلی برای ما ایجاد شد، نیازمند پرداخت هنری است.»

او این کار را نوعی ادای وظیفه نسبت به مردم ایران می‌داند و توضیح می‌دهد: «تلاش کردم نسبت به رخدادها واکنش سریع و به‌موقع داشته باشم؛ چراکه اتفاقات روزانه با سرعت زیادی رخ می‌دادند و ضرورت داشت آثار نیز متناسب با همان فضای روز خلق شوند.»

این هنرمند با اشاره به یکی از آثارش می‌گوید: «مثلاً درباره واقعه طبس دو، لازم بود همان روزها کار انجام شود و بعضی آثارهمان روز خلق شدند. این آثار با زخود گسترده‌ای هم داشته‌اند و خیلی سریع در فضای مجازی دیده شده‌اند.»

شجاعی طباطبایی معتقد است آنچه این مجموعه را متمایز می‌کند، جنبه «وقایع‌نگاری» آن است. او توضیح می‌دهد: «آثارش صرفاً تولیدات پراکنده نیستند، بلکه ثبت هنری رخدادهای تاریخی‌اند؛ آثاری که متناسب با اتفاقات و واکنش‌های شکل گرفته - چه از سوی ایران و چه از سوی دشمنان - خلق شده‌اند.»

او تأکید می‌کند: «هر اثر داستان خاص خودش را دارد و در واقع بخشی از حافظه تصویری این دوره به شمار می‌رود.»

«روایت روزانه جنگ» در قاب کاریکاتور

این کاریکاتوریست با اشاره به حجم بالای تولیداتش در این دوره می‌گوید: «تاکنون بیش از ۸۰ اثر فقط در ایام جنگ منتشر شده است. در برخی روزها به دلیل تعدد سوژه‌ها و اتفاقات، بیش از حد معمول کار می‌کردم و حتی گاهی روزانه سه اثر خلق کردم.»

او درباره تأثیر پرباز خوردا ین مجموعه نیز توضیح می‌دهد: «برخی آثار بیش از دیگران مورد توجه قرار گرفته‌اند. مثلا اثر مربوط به «اف ۳۵» با زتاب گسترده‌ای داشته و اثر «طبس دو» نیز از جمله کارهایی بوده که بسیار دیده شده است.»

با این حال او تأکید می‌کند: «تقریباً همه آثار با زخورد مناسبی دریافت کرده‌اند و کاری نبوده که با زخورد نداشته باشد. برخی آثار در عرصه بین‌المللی بیشتر دیده شده‌اند و در مجموع آثار اخیر نیز با استقبال خوبی مواجه شده‌اند.»

کاریکاتور؛ رسانه‌ای سریع، جهانی و اثرگذار

شجاعی طباطبایی معتقد است تصویر به طور طبیعی از قدرت رسانندگی بیشتری نسبت به متن برخوردار است؛ به ویژه زمانی که عنصر طنز نیز به آن اضافه شود. او می‌گوید: «جذابیت بصری باعث می‌شود مخاطب راحت‌تر با اثر ارتباط برقرار کند و کاریکاتور به دلیل ماهیت طنزآمیزش، علاوه بر برانگیختن کشش، مخاطب را به فکر کردن هم وادار می‌کند.»

او تأکید می‌کند: «طبیعتاً دیدن یک تصویر برای بسیاری از مردم ساده‌تر و اثرگذارتر از خواندن یک متن طولانی است و همین مسئله، کاریکاتور را به رسانه‌ای مؤثر برای انتقال مفاهیم تبدیل می‌کند.»

«وقایع نگاری تاریخی» فراتر از یک اثر مناسبتی

شجاعی طباطبایی در پاسخ به این نگاه که آثار مناسبتی معمولاً تاریخ مصرف دارند، می‌گوید: «این آثار اگرچه متناسب با رخدادهای روز خلق می‌شوند، اما در نهایت بخشی از حافظه تاریخی یک ملت را شکل می‌دهند.»

او با اشاره به تجربه آثار دوران جنگ توضیح می‌دهد: «همان طور که عکس‌ها، پوسترها و کاریکاتورهای مربوط به وقایع تاریخی مانند طبس، سرنگونی هواپیمای مسافربری ایران و دیگر حوادث در حافظه تاریخی باقی مانده‌اند، آثار امروز نیز باید ثبت و حفظ شوند.»

این هنرمند تأکید می‌کند: «واکنش سریع هنرمند به رخدادها اهمیت زیادی دارد، اما این مسئله منافاتی با ماندگاری تاریخی آثار ندارد. این تصاویر بعدها به اسناد تصویری وقایع تبدیل می‌شوند و نسل‌های آینده برای رجوع به تاریخ به همین آثار مراجعه خواهند کرد.»

او معتقد است کاریکاتور یکی از ظرفیت‌هایی است که می‌تواند این وقایع را زنده نگه دارد و نمی‌توان گفت اثری که در زمان خود منشأ تأثیر بوده، بعدها ارزشش را از دست می‌دهد. این تصاویر بخشی از ثبت جنایت‌ها و واقعیت‌هایی هستند که باید در تاریخ باقی بمانند.»

خلق اثر با «اشک»؛ وقتی تصویر از دل هنرمند می‌آید

شجاعی طباطبایی معتقد است رازماندگاری و اثرگذاری یک تصویر صداقت احساسی هنرمند است؛ همان جایی که اثر نه صرفاً با تکنیک، بلکه با جان و احساس خلق می‌شود. او با اشاره به جمله «هرچه از دل برآید، بردل می‌نشیند» تأکید می‌کند: «بسیاری از آثاری که در این ایام خلق کردم، حاصل درگیری عمیق روحی و عاطفی با اتفاقات پیرامون بوده است.»

او درباره اثر مربوط به کودکان میناب می‌گوید: «آن تصویر را با اشک خلق کردم و تمام احساسم را در لحظه لحظه شکل‌گیری اثر گذاشتم. همین «کاردلی» است که می‌تواند در ذهن و احساس مخاطب ماندگار شود و اثر واقعی خود را بگذارد.»

این کاریکاتوریست با اشاره به رخدادهای اخیر تأکید می‌کند: «جنگی که رخ داده، به کشور تحمیل شده و هنرمندان وظیفه دارند این وقایع را ثبت و روایت کنند. هر هنرمند، در هر رشته‌ای، باید با زبانی که در اختیار دارد سهم خود را در ثبت حقیقت ایفا کند.»

شجاعی طباطبایی می‌گوید: «این مسئله نه‌موضوعی شعاری و اغراق‌آمیز، بلکه بخشی از مسئولیت طبیعی هنرمند است؛ مسئولیتی که نتیجه سال‌ها تجربه و فعالیت هنری است و امروز باید در خدمت مردم قرار گیرد.»

او در پایان با اشاره به حضورش در «موکب هنرورسانه» قم می‌گوید: «این روزها هرشب در کنار مردم حضور دارم و آثارم برای علاقه‌مندان و مخاطبان به نمایش گذاشته می‌شود. تأثیری که این آثار در آینده بر جای خواهند گذاشت، بسیار فراتر از امروز خواهد بود.»

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه وراث مرحوم سیده دنیا هاشمی با ارائه دو برگ استشهادیه شماره ۴۳۲۵۲-۱۴۰۵/۱/۲۳ تنظیمی دفترخانه ۱۴۱ آمل طی درخواستی به شماره وارده ۱۴۰۵/۶۸۴۶ مورخه ۱۴۰۵/۲/۱ تقاضای صدور سند مالکیت المثنی به دانگ مشاع از ششدانگ عرصه و اعیان یکبابخانه که کل عرصه آن وقف است به مساحت ۲۲۱/۶۰ متر مربع به شماره پلاک ثبتی ۲۳۴۹ فرعی از ۴۲- اصلی واقع در بخش ۰۹ حوزه ثبت ملک آمل با موضوع سند مالکیت اصلی به شماره چاپی ۷۲۳۱۱۶ سری ج سال ۹۳ که در صفحه - دفتر املاک جلد - ذیل شماره - در دفتر املاک الکترونیک با شماره ۱۳۹۴۲۰۳۱۰۰۰۵۰۱۳۰۳۸ به نام آقای هاشم امیر صادقی ثبت گردیده سپس برابر سند رهنی شماره ۵۵۲۸۰-۱۳۹۸/۹/۱۰ دفترخانه اسناد رسمی ۱۴۱ آمل نزد بانک ملی شعبه آمل در رهن قرار گرفته و در اثر جابجایی مفقود شده و راءنموده است. فلذا در اجرای ماده ۱۲۰ اصلاحی آیین نامه قانون ثبت مبادرت به نشر این آگهی در یک نوبت می گردد. چنانچه اشخاصی مدعی انجام معامله با وجود سند مالکیت نزد خود می باشند ظرف مدت ده روز پس از تاریخ انتشار آگهی اعتراض خود را به همراه اصل سند مالکیت یا سند معامله به این اداره اعلام نمایند چنانچه پس از اتمام مدت مقرر اعتراض ارائه نگردد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشود این اداره مطابق مقررات اقدام به صدور سند مالکیت المثنی به نام مالک خواهد نمود.

تاریخ انتشار ۱۴۰۵/۲/۱۴

حسن صالحی

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک آمل

==========

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه آقای هاشم امیر صادقی با ارائه دو برگ استشهادیه شماره ۴۳۲۵۲-۱۴۰۵/۱/۲۳ تنظیمی دفترخانه ۱۴۱ آمل طی درخواستی به شماره وارده ۱۴۰۵/۶۸۴۶ مورخه ۱۴۰۵/۲/۱ تقاضای صدور سند مالکیت المثنی به دانگ مشاع از ششدانگ عرصه و اعیان یکبابخانه که کل عرصه آن وقف است به مساحت ۲۲۱/۶۰ متر مربع به شماره پلاک ثبتی ۲۳۴۹ فرعی از ۴۲- اصلی واقع در بخش ۰۹ حوزه ثبت ملک آمل با موضوع سند مالکیت اصلی به شماره چاپی ۱۸۳۲۵۰ سری ب سال ۹۸ که در صفحه - دفتر املاک جلد - ذیل شماره - در دفتر املاک الکترونیک با شماره ۱۳۹۴۲۰۳۱۰۰۰۵۰۱۵۰۳۵ به نام سیده خدیجه بنی هاشمی ثبت گردیده سپس برابر سند رهنی شماره ۵۵۲۸۰-۱۳۹۸/۹/۱۰ دفترخانه اسناد رسمی ۱۴۱ آمل نزد بانک ملی شعبه آمل در رهن قرار گرفته و در اثر جابجایی مفقود شده و راءنموده است. فلذا در اجرای ماده ۱۲۰ اصلاحی آیین نامه قانون ثبت مبادرت به نشر این آگهی در یک نوبت می گردد. چنانچه اشخاصی مدعی انجام معامله با وجود سند مالکیت نزد خود می باشند ظرف مدت ده روز پس از تاریخ انتشار آگهی اعتراض خود را به همراه اصل سند مالکیت یا سند معامله به این اداره اعلام نمایند چنانچه پس از اتمام مدت مقرر اعتراض ارائه نگردد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشود این اداره مطابق مقررات اقدام به صدور سند مالکیت المثنی به نام مالک خواهد نمود.

تاریخ انتشار ۱۴۰۵/۲/۱۴

حسن صالحی

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک آمل

==========

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه آقای هاشم امیر صادقی با ارائه دو برگ استشهادیه شماره ۴۳۲۵۲-۱۴۰۵/۱/۲۳ تنظیمی دفترخانه ۱۴۱ آمل طی درخواستی به شماره وارده ۱۴۰۵/۶۸۴۶ مورخه ۱۴۰۵/۲/۱ تقاضای صدور سند مالکیت المثنی به دانگ مشاع از ششدانگ عرصه و اعیان یکبابخانه که کل عرصه آن وقف است به مساحت ۲۲۱/۶۰ متر مربع به شماره پلاک ثبتی ۲۳۴۹ فرعی از ۴۲- اصلی واقع در بخش ۰۹ حوزه ثبت ملک آمل با موضوع سند مالکیت اصلی به شماره چاپی ۱۸۳۲۵۰ سری ب سال ۹۸ که در صفحه - دفتر املاک جلد - ذیل شماره - در دفتر املاک الکترونیک با شماره ۱۳۹۴۲۰۳۱۰۰۰۵۰۱۵۰۳۵ به نام سیده خدیجه بنی هاشمی ثبت گردیده سپس برابر سند رهنی شماره ۵۵۲۸۰-۱۳۹۸/۹/۱۰ دفترخانه اسناد رسمی ۱۴۱ آمل نزد بانک ملی شعبه آمل در رهن قرار گرفته و در اثر جابجایی مفقود شده و راءنموده است. فلذا در اجرای ماده ۱۲۰ اصلاحی آیین نامه قانون ثبت مبادرت به نشر این آگهی در یک نوبت می گردد. چنانچه اشخاصی مدعی انجام معامله با وجود سند مالکیت نزد خود می باشند ظرف مدت ده روز پس از تاریخ انتشار آگهی اعتراض خود را به همراه اصل سند مالکیت یا سند معامله به این اداره اعلام نمایند چنانچه پس از اتمام مدت مقرر اعتراض ارائه نگردد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشود این اداره مطابق مقررات اقدام به صدور سند مالکیت المثنی به نام مالک خواهد نمود.

تاریخ انتشار ۱۴۰۵/۲/۱۴

حسن صالحی

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک آمل

==========

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه آقای هاشم امیر صادقی با ارائه دو برگ استشهادیه شماره ۴۳۲۵۲-۱۴۰۵/۱/۲۳ تنظیمی دفترخانه ۱۴۱ آمل طی درخواستی به شماره وارده ۱۴۰۵/۶۸۴۶ مورخه ۱۴۰۵/۲/۱ تقاضای صدور سند مالکیت المثنی به دانگ مشاع از ششدانگ عرصه و اعیان یکبابخانه که کل عرصه آن وقف است به مساحت ۲۲۱/۶۰ متر مربع به شماره پلاک ثبتی ۲۳۴۹ فرعی از ۴۲- اصلی واقع در بخش ۰۹ حوزه ثبت ملک آمل با موضوع سند مالکیت اصلی به شماره چاپی ۷۲۳۱۱۶ سری ج سال ۹۳ که در صفحه - دفتر املاک جلد - ذیل شماره - در دفتر املاک الکترونیک با شماره ۱۳۹۴۲۰۳۱۰۰۰۵۰۱۳۰۳۸ به نام آقای هاشم امیر صادقی ثبت گردیده سپس برابر سند رهنی شماره ۵۵۲۸۰-۱۳۹۸/۹/۱۰ دفترخانه اسناد رسمی ۱۴۱ آمل نزد بانک ملی شعبه آمل در رهن قرار گرفته و در اثر جابجایی مفقود شده و راءنموده است. فلذا در اجرای ماده ۱۲۰ اصلاحی آیین نامه قانون ثبت مبادرت به نشر این آگهی در یک نوبت می گردد. چنانچه اشخاصی مدعی انجام معامله با وجود سند مالکیت نزد خود می باشند ظرف مدت ده روز پس از تاریخ انتشار آگهی اعتراض خود را به همراه اصل سند مالکیت یا سند معامله به این اداره اعلام نمایند چنانچه پس از اتمام مدت مقرر اعتراض ارائه نگردد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشود این اداره مطابق مقررات اقدام به صدور سند مالکیت المثنی به نام مالک خواهد نمود.

تاریخ انتشار ۱۴۰۵/۲/۱۴

حسن صالحی

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک آمل

==========

**آگ